

لثالی الحکمة - بنام مقصود عالمیان یا محمد الحمد لله در یومیکه

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



بنام مقصود عالمیان

یا محمد الحمد لله در یومیکه از انوار وجه منور است و در کتب الهی بیوم الله معروف بخدمت مظلوم فائزی، و این مقامیست که جمیع ملاً اعلی و اهل فردوس و حظائر قدس طالب آن بوده اند، لعمر الله قلم امکان از ذکر آن عاجز و قاصر است، اَنْ احْفَظَ مَقَامَكَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْمُقْتَدِرِ الْقَدِيرِ، چه که نفوسیکه در حولند باید در جمیع احوال ناظر بامر و اراده الهی باشند، ایشانند نفوسیکه میفرماید لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ، سمع مترصد کلمه اسمع و عین منتظر کلمه مبارکه انظر و لسان مستعد ظهور کلمه انطق، چه که آن نفوس از خود و ما عندهم و اراده و مشیت خود فانی و بما اراده الله ناظر و ناطق و متکلم و قائم، یا مُحَمَّدُ اَنْ اشکر الله بما اَیَّدَكَ وَقَرَّبَكَ وَاَسْمَعَكَ وَاَنْطَقَكَ فِي یَوْمٍ فِیهِ اَعْرَضَ عَنْهُ الْعِبَادُ اِلَّا مَنْ شَاءَ وَاَرَادَ، اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ، نامه های متعدده که دوستان حق بانجناب ارسال داشتند عبد حاضر لدی المظلوم معروض داشت، انشاء الله کل بنعمت باقیه که در مقامی بکلمه الهی تعبیر شده فائز شوند، این کلمه علیا در صحیفه حمرا از قلم اعلی ثبت شده طوبی لنفس فازت بِكَلِمَةِ اللهِ فِي اَيَّامِهِ، چه که هر نفسی فائز شود بذکر الهی آن ذکر بمثابه سراج امام وجه او در جمیع عوالم ظاهر و باهر و روشن و هویداست، حال ملاحظه کن در عظمت این مقام طوبی للفائزین، جمیع نفوسیکه در نامها مذکور بود بذکر الهی فائز و بکلمه او مفتخر، اِنَّ رَبَّكَ الرَّحْمَنُ هُوَ الْمُقْتَدِرُ عَلٰی مَا یَشَاءُ بِقَوْلِهِ كُنْ فِیَكُونُ، مخصوص هر یک لوح اقدس از سماء مشیت نازل، از حق سائل و آمل شو تا کل را بحفظ این مقامیکه قلم اعلی بعظمت آن اعتراف نموده موفق نماید، جناب میرزا و جناب سید علیهما ۶۶۹ ذکر حضور نفوس مقدسه مطمئنه را نموده بودند، طوبی لهم ولنادیهم وللمقر الذي فاز بهم وسمع ندائهم في ذکر الله محبوبهم ومقصودهم، انشاء الله عرف اتحاد لا زال از ایشان متضوع باشد و در لیلی و ایام بحکمت تمام در ارتفاع امر کمال جهد را مبذول دارند، آنچه این ایام وارد شده و ظاهر گشته از قبل از قلم اعلی جاری و نازل، طوبی لمن عرف و كان



ORIGINAL

مِنَ الْمُوقِنِينَ، امروز باید نفوس موقنه قویه بامر مالک بریه کوثر حیوان را بر کل مبدول دارند، ناس غافلند و از
 بحر دانائی ممنوع و محروم، در اهل فرقان تفکر نمائید که باقوال سخیفه قدمایچه مقدار محتجب و بعید مشاهده
 شدند، آفتاب یقین مشرق و بحر علم موج مع ذلك باهل ظنون متمسک و بذیل اوهام متشبثند، امروز روزیست
 که کتب اولین و آخرین بتصدیق این ظهور اعظم معلق و منوط است، جمیع اشیا باو شناخته میشوند و او بنفسه
 قائم و ظاهر و معروف، طوبی لعبد عرف وویل لكل منکر اثم، در جمیع کتب قبل ایتمقام مخصوص باین ظهور
 است، اگر ابصار یافت شود و آذان مشاهده گردد تسمع وتشهد بما شهد به الله وتعرف بما اعترف به القلم
 الأعلى، یا محمد ان اعرف ما القیناک فضلاً من لدنا ثم اشکر ربک الناطق البصیر، انا نکبر من هذا المقام علیک
 وعلی الذین حضرت کتبهم لدی المظلوم وفازوا بالاستقامه فی هذا الأمر الاعظم الابدع العزیز الحکیم، یا ایها
 الطائف حول السجن دوستان اهیرا بشارت ده بآنچه نازل شده تا کل بعنایت الهی مسرور شوند و بما ینبغی لایام
 الله قیام نمایند، ان ربک یفعل ما یشاء ویحکم کیف اراد لا إله إلا هو السامع البصیر، البهائم علیک وعلیهم من
 لدن فضال کریم.